



اولين وو  
ترجمه سهيل سمي

مُشتى خاك

## فهرست

۱. طرف خانه بیور ..... ۹
۲. گوتیک انگلیسی ..... ۲۱
۳. بخت شوم تونی ..... ۹۵
۴. گوتیک انگلیسی ..... ۱۸۳
۵. در جستجوی یک شهر ..... ۲۲۱
۶. طرف خانه تاد ..... ۲۹۳
۷. گوتیک انگلیسی ..... ۳۱۳

## طرف خانه بیورا<sup>۱</sup>

«کسی آسیب دید؟»

خانم بیور<sup>۲</sup> گفت: «خوشبختانه جز دو مستخدمه که دست و پاشون رو گم کردن و از وسط تاق شیشه‌ای پریدن توی حیاط سنگ‌فرش، دیگه کسی آسیب ندید. اون‌ها هم اصلاً در خطر نبودن. متأسفانه آتش درست و حسابی به اتاق خواب‌ها نرسید. با این حال، باید دستی به سر و روی اتاق‌ها کشید، همه‌چیز دود گرفته و غرق آب شده و خوشبختانه از اون کپسول‌های قدیمی آتش‌نشانی داشتن، از اون‌ها که همه‌چیز رو به گند می‌کشه. واقعاً جای گلایه نداره. داخل اتاق‌های اصلی کاملاً از بین رفته و همه‌چیز هم بیمه بوده. سیلويا نیوپورت<sup>۳</sup> اون‌ها رو می‌شناسه. باید امروز صبح قبل از این‌که اون نسناس، خانم شاتر<sup>۴</sup>، اون‌ها رو بقاپه، باهاشون تماس بگیرم.»

۱. Du Côté de Chez Beaver. تلمیحی است به عنوان جلد اول رمان در جستجوی زمان

از دست رفته، طرف خانه سوان (Du Côté de Chez Swan) اثر مارسل پروست. جالب این‌که

Swan به معنای قوس‌ناله و Beaver به معنای سنجاقک است.

خانم بیور پشت به بخاری ایستاده بود و ماست صبحگاهی‌اش را می‌خورد. پاکت را درست زیر چانه‌اش گرفته بود و با قاشق لُف لُف می‌بلعید.

«خدای من، چه طعم گندی داره. ای کاش تو هم بهش عادت می‌کردی، جان! این اواخر به نظر خیلی خسته می‌آی. حالا بدون این روزم شب نمی‌شه.»

«اما مادر جون، من به اندازه شما مشغله ندارم.»

«درسته، پسر.»

جان بیور با مادرش در خانه ساسکس گاردنز<sup>۲</sup> زندگی می‌کردند، خانه‌ای که بعد از مرگ پدرش به آن نقل مکان کرده بودند. در این خانه از طراحی داخلی باشکوه و ساده‌ای که خانم بیور برای مشتریانش در نظر می‌گرفت نشانی نبود. خانه پر بود از اثاثیه فروش نرفته دو خانه بزرگ‌تر که طرحشان یادآور هیچ دوره خاصی نبود، به خصوص طرح و مدل‌های زمان حال. بهترین قطعات و تکه‌هایی که برای خانم بیور ارزش احساسی داشتند در پذیراییِ اِل‌مانند طبقه بالا بودند.

بیور در طبقه همکف پشت غذاخوری یک اتاق نشیمن تنگ و تاریک با یک خط تلفن مستقل داشت، مستخدمه‌ای سن‌وسال‌دار به وضع لباس‌هایشان رسیدگی می‌کرد. او اشیای غمبار و دست و پاگیر روی میز بیور را هم، که زمانی روی میز توالت پدر او بود، پاک می‌کرد و برق می‌انداخت و همه را با نظمی متقارن می‌چید؛ هدایای ماندگار به مناسبت مراسم ازدواج و بیست‌ویکمین سالروز تولدش، از جنس عاج، با روکش برنجی، با پوشش چرم خوک، با نشان‌های تزئینی و طلاکاری، همگی یادآور سلاقی گران‌قیمت مردانه در

1. John

2. Sussex Gardens

دوره ادوارد: بغلی‌های مخصوص اسب‌سواری و شکار، قوطی‌های سیگار برگ، ظروف شیشه‌ای تنباکو، مجسمه‌های اسب‌ها و سوارهایشان، پیه‌های زیبایی کف دریایی<sup>۱</sup>، قلاب‌های دکمه و ماهوت‌پاک‌کن‌های مخصوص کلاه. چهار مستخدم داشتند، همه زن، و جز یکی، همه مسن.

وقتی کسی از بیور می‌پرسید چرا به جای آن‌که خودش خانه و کاشانه‌ای فراهم کند، آن‌جا مانده، گاهی می‌گفت به نظرش مادرش دوست دارد او آن‌جا باشد (مادرش با وجود کسب و کارش، احساس تنهایی می‌کرد)، گاهی هم جواب می‌داد که با این کار هفته‌ای دست‌کم پنج پوند جلو می‌افتد.

کل درآمدش حدود هفته‌ای شش پوند بود، پس آن پنج پوند پس‌انداز خیلی مهمی محسوب می‌شد.

بیست و پنج ساله بود. از زمانی که از آکسفورد بیرون آمده بود تا شروع دوره کسادی، در آژانس تبلیغاتی کار کرده بود.

از همان زمان دیگر کسی نتوانسته بود کاری برایش دست‌وپا کند. به همین دلیل، تا لنگ ظهر می‌خوابید و بخش عمده روز را به این امید که کسی به او زنگ بزند، کنار تلفن می‌نشست.

خانم بیور اواسط صبح هر وقت امکان داشت، یک ساعت کار را تعطیل می‌کرد. همیشه در نهایت وقت‌شناسی، سر ساعت نه در فروشگاهش بود، و ساعت یازده و نیم دیگر استراحت لازم می‌شد. بعد اگر قرار نبود مشتری مهمی از راه برسد، سوار ماشین دونفره‌اش می‌شد و به خانه‌اش در ساکس‌گاردنز می‌رفت. وقتی به خانه می‌رسید، معمولاً جان بیور لباسش را پوشیده بود و خانم بیور هم به تدریج به گپ و گفت‌های دونفره صبحگاهی‌شان عادت کرده بود و از آن لذت می‌برد.

۱. Meerschaum: نوعی ماده معدنی؛ هیدروسیلیکات منیزیم که سفید و نرم است و از آن سرچی و پیه می‌سازند. -م.